

## بازنمایی مؤلفه‌های زبان‌شناختی و ایدئولوژیکی اقلیت‌های قومی در آینه مطبوعات دوره پهلوی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

عادل محمدی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
فردوس آفاگل‌زاده، استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
زهرا ابوالحسنی چیمه، دانشیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

صص: ۱۹۳-۲۲۱

### چکیده

دوره پهلوی در متون مطبوعاتی به اقلیت‌ها صورت‌بندی نژادی داده است، از این‌رو، تجزیه و تحلیل زبانی مطبوعات آن دوره می‌تواند نشان دهد چه روایاتی ارائه و مورد پذیرش عموم قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بازنمایی مؤلفه‌های زبان‌شناختی و ایدئولوژیکی اقلیت‌های قومی در مطبوعات دوره پهلوی می‌پردازد. داده‌های این پژوهش برگرفته از ۳۵۰ متن از روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در بازه زمانی (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵) است و با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی الگوی نژادپرستی وندایک، درصدد است تا متون روزنامه‌های مذکور را مورد واکاوی قرار دهد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که روابط روزنامه‌ها با نهادهای قدرت بر نحوه بیان ایده‌ها و افکار سردبیران نسبت به اقلیت‌های قومی تاثیرگذار بوده است؛ چراکه روزنامه‌های مذکور با استفاده از ایدئولوژی‌های زیرساختی و معنایی زبان در الگوی نژادپرستی نظیر سبک واژگانی، ساختار نحوی، عنوان‌ها، قطبی‌سازی، عبارت‌های جاافتاده، کنش‌گفتارها و پیش-انگاشت‌ها نوعی نژادپرستی پنهان از خود بروز داده و اقلیت‌های قومی را به حاشیه می‌رانند. می‌توان گفت که الگوی مذکور به درستی می‌تواند داده‌های روزنامه‌ها را پیرامون نژادپرستی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

- پست الکترونیکی: 1. Adel.m223@gmail.com 2. Aghagolz@modares.ac.ir  
3. zabolhassani@hotmail.com

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، نژادپرستی، اقلیت‌های قومی، ایدئولوژی‌های زیرساختی، اطلاعات

#### ۱. مقدمه

مطبوعات وسیله‌ای برای اطلاع‌رسانی و ارتقای دانش عمومی است؛ اما اینکه چه نوع اطلاعاتی نشر می‌یابند و اینکه دانش عمومی در هر برهه زمانی و بافت گفتمانی بایستی ارتقاء یابد، به وسیله نهادهای صاحب قدرت و یا ایدئولوژی‌های خاص صاحبان نشریات، مدیریت و نظارت می‌شود. متون این مطبوعات در هر برهه زمانی از تاریخ، تصویری از رخدادهای سیاسی-اجتماعی یک جامعه را ترسیم می‌نمایند. با این وصف، تحلیل گفتمان انتقادی برای خود دستور کار مشخصی دارد که به دنبال برملا ساختن ایدئولوژی‌های پنهان در پس این متن‌ها است و هدف آن ایجاد تغییر و مبارزه با نژادپرستی و نابرابری‌های اجتماعی است (فرکلاف و وداک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷: ۲۵۸).

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که اقلیت‌های قومی در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ که مهم‌ترین مسائل اجتماعی-سیاسی آن دو دوره می‌باشد چگونه به صورت هدف‌مند در نگاه‌های روزنامه‌های کیهان و اطلاعات بازنمایی شده‌اند و به گفته ون‌دایک (۱۹۸۷)، اقلیت‌های قومی که مطبوعاتی‌اند، چگونه از سوی سردبیران به تصویر کشیده می‌شوند و بر اذهان مخاطبان تأثیر می‌گذارند. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی<sup>۲</sup> زبان در الگوی نژادپرستی پیرامون اقلیت‌های قومی در ایران است که در نگاه‌های روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در دوره پهلوی دوم نشر داده شده است. افزون بر آن، چنین پژوهشی که با هدف آشکار ساختن ایدئولوژی‌های خاص در قلم سردبیران روزنامه‌های مذکور صورت پذیرفته است، پرسشی اساسی را دنبال می‌کند و آن این است که متون سردبیران روزنامه‌های اطلاعات و کیهان چگونه اقلیت‌های قومی را از لحاظ ایدئولوژی‌های نژادپرستی در سطوح زیربنایی و معنایی زبان بازتاب می‌دهند؟ در این راستا، پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و بر اساس چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی الگوی نژادپرستی

1- Fairclough & Wodak

2- underlying and meaning ideologies

وندایک<sup>۱</sup> است که در ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی مؤلفه‌هایی نظیر سبک واژگانی<sup>۲</sup>، ساختار نحوی، عنوان‌ها، راهبردهای گزینشی خود و دیگری، عبارت‌های جافتاده<sup>۳</sup>، کنش گفتارها و پیش‌انگاشت‌ها<sup>۴</sup> را به‌منظور بازنمایی اقلیت‌های قومی مورد کندوکاو قرار می‌دهد. واکاوی مؤلفه‌های زبانی و ایدئولوژیکی نژادپرستی پیرامون اقلیت‌های قومی در ایران تاکنون در متون مطبوعاتی بررسی نشده است و می‌توان گفت که پژوهش حاضر از این منظر نوآوری دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

وندایک (۱۹۹۳) و (۲۰۰۶) با پژوهش‌های خود سهم بسزایی در تحقیقات مربوط به نژادپرستی در رسانه‌ها و سایر نهادهای اروپایی داشته است. وی ارتباط نظری و روش‌شناختی تحلیل گفتمان را برای درک انسان از نابرابری قومی و نژادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد که در این راستا شیوه‌های نوشتار و گفتار گروه اکثریت در مورد اقلیت‌ها را در مکالمات روزمره، کتاب‌های درسی، گزارش‌های خبری، بحث‌های پارلمانی مورد بررسی قرار می‌دهد و الگویی را پیشنهاد می‌دهد که بتوان ایدئولوژی‌های نژادپرستانه را در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی کشف و برملا ساخت. وندایک ساختارهای زیربنایی (روساخت زبانی) را با ژرف‌ساختی (معنا، تلویحات و پیش‌فرض‌ها، هم‌معنایی و بازگویی، ساختارهای گزاره‌ای، وجه کلامی، ابهام، عبارات جافتاده و...) را در انگاره‌ای ترسیم می‌کند که با بهره‌گیری از آن می‌تواند انواع متون کلامی و نوشتاری را از منظر نژادپرستی مورد واکاوی قرار داد.

ریزیگل و وداک<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) بازنمود نژادپرستی و قوم‌گرایی را با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار داده و چهار رویکرد تحلیل گفتمان را ارزیابی می‌کنند و سپس الگوی خود را در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی ارائه می‌دهند که بر نژادپرستی در اتریش تمرکز دارد. چنین رویکردی برای مطالعه تبعیض و نابرابری مورد استفاده قرار می‌گیرد که

1- Van dijk

2- lexical style

3- Topoi

4- speech acts & presuppositions

5- Reisigl&Wodak

طیف گسترده‌ای از سخنرانی‌های سیاسی و اسناد حقوقی، روزنامه‌ها، پخش سریال‌های تلویزیونی و مکالمه‌های روزمره را در بر می‌گیرد.

هارت<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) مهاجرت را در مطبوعات بریتانیا مورد کندوکاو قرار می‌دهد و با تلفیقی از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی شناختی، کاربرد زبان و نابرابری‌های اجتماعی پیرامون مهاجران را در گفتمان رسانه‌ها بازنمایی می‌کند و بدان باور است که تحلیل گفتمان انتقادی با بهره‌گیری از رویکرد شناختی به‌منظور ریشه‌کن نمودن نژادپرستی، رویکردی بسیار کارآمد و مؤثر است.

میدل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر عوام‌فریبی رسانه بر گفتمان نژادپرستانه در مورد اقلیت‌های نیوزلند با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی مورد واکاوی قرار می‌دهند که در نتیجه آن سردبیر روزنامه‌ها با نگاه‌های خود اقلیت‌ها را منفی بازنمایی می‌کند و مخاطبان خود را به حمایت از سیاست‌های نژادپرستانه سوق می‌دهد.

اسمیت<sup>۳</sup> (۲۰۲۰۱) نابرابری‌های نژادی را در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، داده‌های نشریه حسابرسی اختلاف نژادی<sup>۴</sup> و وبسایت‌های مرتبط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. تجزیه و تحلیل زبانی این پژوهش نشانگر آن است که به نژادپرستی مشروعیت داده می‌شود و این ناشی از سیاست‌های غلط سیستم آموزشی است.

در دو دهه اخیر پژوهش‌های متعددی پیرامون تحلیل گفتمان مطبوعات در داخل ایران انجام شده است که می‌توان از پژوهش‌های یارمحمدی و رشیدی (۱۳۸۲) در مورد صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران، عواطف رستمی (۱۳۸۶) در باب زبان و ایدئولوژی مطبوعات، ایزدی و سقایی بی‌ریا (۱۳۸۷) که به تحلیل گفتمان روزنامه‌های آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازند و نیز استاجی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) که تحلیل گفتمان خود و دیگری را در متون مطبوعاتی مورد بررسی قرار می‌دهند، نام برد. در این راستا پژوهش‌های که همسو با تحقیق حاضر مؤلفه‌های ایدئولوژی نژادپرستی را در متون زبانی مورد بررسی قرار می‌دهند، انجام شده است. غیاثیان (۱۳۸۸) رسانه‌ها را چشم‌گیرترین ابزار

1- Hart

2- Maydell&Et al

3- Smith

4- Race Disparity Audit (RDA)

برای بازنمایی اندیشه شرق‌شناسانه و نژادپرستانه معرفی می‌کند و گونه معاصر نژادپرستی را با تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی قلمداد می‌کند و بر این مبنا، تفکر و نگرش فرهنگی غربی در مورد ایران در ساخت‌های زبانی روزنامه‌های گاردین و دیلی تلگراف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که چارچوب نظری پژوهش بر اساس الگوی ون لیوون است. به‌کارگیری سبک‌ها و کاربردهای متعصبانه زبان، الگوهای جهت‌دار خبری و مقایسه گروه‌ها و اشخاص و سازمان‌های غیرسفیدپوست نشانگر آن است که توجه و اعتماد کمی به دسته غیر سفیدپوست به‌منزله منابع قابل اعتماد وجود دارد و در نتیجه رهبران قومی و متخصص‌ها در مطبوعات به حاشیه رانده می‌شوند و در مقابل نخبگان سفیدپوست منابع قابل اعتماد مورد ارجاع تلقی می‌شوند.

آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) به بررسی ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در متون روزنامه‌ها می‌پردازد و با روش تحلیل گفتمان انتقادی چهارچوبی را برای واکاوی این متون در نظر گرفته است که در آن با بهره‌گیری از راهبردهای گفتمانی و کاربردشناختی عناوین و متون روزنامه‌ای را مورد کندوکاو قرار می‌دهد که در نتیجه آن ساخت‌های ایدئولوژیک زبان را بخشی از کاربردشناختی زبان می‌پندارد که بر انواع پیش‌انگاشت‌ها، تضمن‌ها و... استوار است.

رضایی پناه و شوکتی مقرب (۱۳۹۳) در پژوهش خود ایدئولوژی‌هایی را که به برتری نژادی- قومی، فرقه‌ای و مذهبی اشاره دارند، مورد بررسی قرار می‌دهند. این ایدئولوژی‌ها به صورت پنهان از راه رسانه‌ها مؤلفه‌های نژادپرستی را در ذهن مخاطب‌ها نهادینه می‌کنند. پژوهش آن‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی مبانی زبان‌شناسی، گفتمانی و هویتی مورد بحث قرار می‌دهد. داده‌های این پژوهش مطالعه رسانه‌های اسرائیل است که در نتیجه واکاوی این داده‌ها، مؤلفه‌های زبان‌شناختی و فرازبانی فرایندهای دیگری‌سازی و خصومت- سازانه اسرائیل در ارتباط با فلسطینیان، اعراب و مسلمانان در تولید و بازتولید نژادپرستی امری مشهود و برجسته است.

افخمی و همکاران (۱۳۹۷) بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و با بهره‌گیری از الگوی روساختی و معنایی ون دایک سخنرانی‌های ترامپ را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که نتایج این پژوهش با رویکرد ون دایک در مورد نژادپرستی همسو و در یک راستا پیش می‌رود.

## ۳. چهارچوب نظری پژوهش

## ۳-۱. ایدئولوژی‌های نژادپرستی در تحلیل گفتمان انتقادی

ایدئولوژی‌های نژادپرستی اساس و بنیاد مشترک اجتماعیِ باورهای قومی-نژادی‌اند که در رسانه‌های گروهی به‌وفور به چشم می‌خورند. این ایدئولوژی‌ها همیشه به‌گونه‌ای نیست که صریح و آشکار بیان گردند بلکه می‌توانند پنهان و غیرمستقیم در ساختارهای زبانی نمود پیدا کنند و اقلیت‌های قومی را نشانه بگیرند (وندایک، ۲۰۰۶: ۳۸-۳۹). روی‌هم‌رفته، چنین ایدئولوژی‌هایی نگرشی را بازتاب می‌دهد که ملت ایده‌آل را افرادی معرفی می‌کند که از لحاظ نژاد، فرهنگ، زبان و ارزش‌های مشترک، یکسان باشند و افرادی را که عاری از این مشخصه‌ها باشند، تهدیدی علیه هویت گروهی آن ملت قلمداد می‌شوند (گوتلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۹۲). تحلیل-گران گفتمان انتقادی کلیشه‌ها و ایدئولوژی‌های نژادپرستانه را در مطبوعات افشا می‌سازند (مکین و مایر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۴). این دست از تحلیل‌گران نه‌تنها نگرش و موضع سیاسی را بر می‌گزینند، بلکه در پی آنند تا مقاومت در برابر ایدئولوژی و استدلال‌های نژادپرستانه پنهان در دل متون را کشف و برملا سازند که این امر با هدف تغییر در ساختار جامعه صورت می‌پذیرد (هارت، ۲۰۱۵: ۱۳).

به دیگر سخن، تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، نخست توصیف زبان‌شناختی از متن ارائه می‌دهند و در گام بعدی به تبیین و تفسیر نتایج حاصل از آن می‌پردازند. بدین ترتیب، با بررسی مشخصه‌های زبانی متن، ایدئولوژی‌های نهفته در متن را واکاوی می‌کنند و گرایش‌ها و پیش-انگاشت‌های ایدئولوژیکی<sup>۳</sup> لایه زیرین متن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند (پالتریج<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲: ۱۸۶).

## ۳-۲. ساختارهای ایدئولوژیکی گفتمان

انبوهی از مطالب رسانه‌ها که در کانون توجه مخاطب قرار می‌گیرد، درون‌مایه ایدئولوژیکی دارند؛ اما مردم همواره از آن آگاه نیستند. از این رو، وظیفه تحلیل‌گران گفتمان انتقادی برملا

1- Goatly

2- Machin &amp; Mayr

3- ideological Presuppositions

4- Paltridge

ساختن ماهیت ایدئولوژیک زبان به‌کاررفته در پس‌متون است و نشان دادن نقش آن در شکل‌دهی پیوند میان مردم و نهادهای جامعه است (آسابرگر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱۸۵). به باور ون‌دایک هر کدام از ساختارهای ایدئولوژیکی، مؤلفه‌ها و عناصر مختص به خود را دارند که به سبک‌های متعددی نمود می‌یابند. ایدئولوژی در ساختارهای زبانی می‌تواند آشکارا یا به‌صورت ضمنی به نمایش درآیند که می‌توان آن را به دو دسته ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی تقسیم کرد (وندایک، ۲۰۰۶: ۴۲).

### ایدئولوژی‌های زیربنایی

ایدئولوژی‌های زیربنایی به صورت‌های زبانی اشاره دارد که گویش‌وران می‌توانند آن‌ها را بشنوند، ببینند یا به زبان بیاورند، افزون بر آن، چنین مؤلفه‌ای بر گزینش واژگان و چیدمان آن در جمله اشاره دارد. سبک واژگانی، ساختارهای نحوی، فن بلاغت، در ایدئولوژی‌های زیربنایی قرار می‌گیرند (وندایک، ۱۹۹۳: ۱).

۱- سبک واژگانی: هرازگاهی واژه‌ها نشانگر الگوهای ذهنی قومی - نژادی هستند که در نقش سبک واژگانی بر نژادپرستی پنهان نمود می‌یابند و به‌عنوان یک دال ایدئولوژیکی بازنمایی می‌شوند (وندایک، ۱۹۹۳: ۵-۱).

۲- ساختارهای نحوی: تحلیل‌گران به این امر می‌پردازند که افراد چگونه با نگارش متن، سخنان و جملات آغازین و نیز سخنان بعدی خود را کنار هم می‌چینند (پالتریج، ۲۰۱۲: ۳۴). برای مثال نشان‌دار کردن جمله‌ها که از عرف دستور زبان خارج می‌شوند، ساخت-های ایدئولوژیک محسوب می‌شوند. برای مثال ساختار نحوی جمله‌های مجهول، اسم-سازی و مبتداسازی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌سازی کارگزاران اجتماعی به‌کار گرفته می‌شود (وندایک، ۲۰۰۶: ۵۵-۵۴).

### ایدئولوژی‌های معنایی

محتوای ایدئولوژیک به صورت مستقیم در معنای گفتمان نمود می‌یابد. از این‌رو، بایستی توجه خاصی به معناشناسی گفتمان ایدئولوژیک داشته باشیم؛ چراکه معنای واژه‌ها، جمله‌ها و سایر مؤلفه‌های زبانی تحت تأثیر ایدئولوژی‌ها، عقاید و نگرش‌ها قرار می‌گیرند. ون‌دایک بر

ایدئولوژی‌های معنایی تأکید می‌ورزد؛ زیرا این بخش نگرش و دیدگاه‌های کارگزاران اجتماعی را بازتاب می‌دهد (وندایک، ۱۹۹۳: ۱۴). در این بخش مؤلفه‌هایی نظیر عنوان‌ها، قطبی‌سازی<sup>۲</sup>، کنش‌های گفتار، پیش‌انگاشت‌های ایدئولوژیک، عبارات جاافتاده، استدلال و دیدگاه<sup>۳</sup> نویسندگان مطرح می‌شود.

- ۱- عنوان: جان کلام یا مهم‌ترین اطلاعات گفتمان را بازتاب می‌دهد و به مخاطب می‌گوید که یک گفتمان «درباره چه رویدادی سخن می‌گوید» و اگر بخواهیم بر روی پدیده‌های خوب و بد تأکید کنیم، از عنوان‌بندی<sup>۴</sup> استفاده نموده و اگر بخواهیم از پدیده‌های خوب و بد تأکیدزدایی کنیم، در این صورت از عنوان‌زدایی<sup>۵</sup> بهره می‌گیریم (وندایک، ۲۰۰۶: ۴۵).
- ۲- قطبی‌سازی: راهبردهای ایدئولوژی گفتمان تأکید بر مؤلفه تقابل «خود» و «دیگری» دارد. در این حالت تصویرسازی «درون‌گروهی» و «برون‌گروهی» در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود (وندایک، ۲۰۰۶: ۴۹). در تحلیل گفتمان انتقادی آن‌هایی که به لحاظ خط‌مشی سیاسی و نوع نگرش به مسائل و پدیده‌ها در گفتمان (ما) قرار دارند خودی و آن‌هایی که در زیر چتر رقیب قرار دارند (آن‌ها) یا دیگری می‌نامند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۱).
- ۳- عبارت‌های جاافتاده: این اصطلاح مابین معناشناسی و علم بلاغت است و به‌مثابه «جایگاهی» است که استدلال در آن صورت می‌گیرد. عبارت جاافتاده در تحلیل گفتمان انتقادی به راهبردهایی اشاره دارد که مانند طرح‌واره‌های استدلالی درک می‌شوند و هریک به موضوعات خاصی می‌پردازند. این اصطلاح مفروضات مسلم انگاشته شده‌ای است که به پیش‌انگاشت‌ها مرتبط است (هارت، ۲۰۱۵: ۶۶). عبارت جاافتاده نه تنها متن و گفتار نژادپرستی بلکه گفتمان ضد نژادپرستی را نیز توضیح می‌دهد (وندایک، ۲۰۰۶: ۵۳). با استفاده از انواع عبارت‌های جاافتاده اعضای «درون‌گروهی» و اعضای «برون‌گروهی» از هم تفکیک می‌شوند یعنی گروهی به عنوان خودی و گروهی به عنوان دیگری بازنمایی می‌شوند (وداک، ۲۰۰۱: ۵۵).

---

1- topics

2- polarization

3- point of view

4- topicalize

5- de-topicalize



۴- کنش‌های گفتاری: یکی از عناصر مهم و اساسی مطرح در مباحث کاربردشناسی زبان است که در تحلیل گفتمان نیز می‌توان از آن بهره‌گرفت (لوینسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۲۲۶). آستین (۱۹۷۰) سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام گفتن انجام می‌دهد در سه کنش تعریف می‌کند: کنش بیانی<sup>۲</sup>؛ تولید یک عبارت معنی‌دار به کمک زبان. کنش پیش‌بیانی<sup>۳</sup>؛ گوینده با بیان جمله قصد و نیتی دارد. کنش پس‌بیانی<sup>۴</sup>؛ تأثیر تولید یک عبارت بر مخاطب است (صفوی، ۴۲۳: ۱۳۹۹).

۵- پیش‌انگاشت<sup>۵</sup> به اطلاعات ضمنی درون جمله یا پاره‌گفتار اشاره دارد. برای دسته‌بندی‌های پیش‌انگاشت‌ها تقسیم‌بندی‌هایی ارائه شده است که عبارت‌اند از بالقوه<sup>۵</sup>، وجودی<sup>۶</sup>، واقعیت‌پذیر<sup>۷</sup> (محض و مشروط)، واقعیت‌ناپذیر<sup>۸</sup>، واژگانی<sup>۹</sup>، ساختاری<sup>۱۰</sup>، خلاف واقع و مقوله‌ای<sup>۱۱</sup>. (یول<sup>۱۲</sup>، ۵۷: ۲۰۰۰؛ لوینسون، ۱۸۱: ۱۹۹۷-۱۸۴؛ لیچ<sup>۱۳</sup>، ۳۰۴: ۱۹۷۴).

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر شامل ۳۰۰ متن از روزنامه‌های «اطلاعات» و «کیهان» در دوره پهلوی است که در بازه زمانی (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵) به صورت هدف‌مند در مورد شیوه بازنمایی اقلیت‌های قومی ایرانی در مطبوعات مذکور استخراج شده است. علت انتخاب روزنامه‌های مذکور پیشینه تاریخی آنهاست که در هر دوره پهلوی و عصر حاضر نشر داده شده‌اند و از این حیث مخاطبان بیشتری به خود جذب کرده‌اند. به گفته آلن<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۴: ۱۰۲) روزنامه‌هایی از این دست که پیشینه تاریخی دارند، دارای عمیق‌ترین اثر بر روی «جامعه» و بخش‌های بانفوذ آن

- 
- 1- Levinson
  - 2- locutionary act
  - 3- illocutionary act
  - 4- perlocutionary act
  - 5- potential presupposition
  - 6- existential presupposition
  - 7- factive presupposition
  - 8- non- factive presupposition
  - 9- lexical presupposition
  - 10- structural presupposition
  - 11- counter-factual & categorial presupposition
  - 12- Yule
  - 13- Leech
  - 14- Allen

نظیر «دولت»، هستند. این پژوهش در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد تئون ون-دایک صورت پذیرفته که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیل است، اما در پژوهش حاضر از روش کمی نیز استفاده شده است؛ زیرا در گفتمان‌شناسی تحلیل‌های کمی و کیفی می‌توانند باهم ترکیب شوند؛ یعنی اگرچه تحلیل گفتمان ماهیتاً کیفی است و با روش کمی سازگار نیست؛ اما می‌توان آن را با روش کمی ادغام نمود (آنتونی و بیکر، ۲۰۱۵، تیلور، ۲۰۱۳). با این وصف مقاله حاضر تعداد مؤلفه‌های ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی نظیر ساختار نشاندار و بی‌نشان نحوی، سبک واژگانی، پیش‌انگاشت‌ها، عبارات جافتاده و قطبی‌سازی از راه روش کمی بررسی می‌کند و این داده‌ها را با استفاده از نرم‌افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

#### ۵. تحلیل و بررسی کیفی داده‌ها

در پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش اصلی، نخست عنوان‌ها و جمله‌های منتخب از متون روزنامه‌های (کیهان و اطلاعات) دوره پهلوی را استخراج نموده و با ذکر نام و تاریخ دقیق آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. در وهله نخست ایدئولوژی‌های زیربنایی با استفاده از سبک واژگانی و ساختار نحوی را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس به تحلیل ایدئولوژی‌های معنایی خواهیم پرداخت که عنوانین، قطبی‌سازی (خود و دیگری)، عبارات جافتاده، کنش‌های گفتار و پیش‌انگاشت‌ها را در بر می‌گیرد.

#### ۵-۱. تحلیل ایدئولوژی‌های زیربنایی

##### الف. سبک واژگانی

درگزینش واژگان، مفاهیم و باورهای زیربنایی با عناصر واژگانی مشخصی بیان می‌شوند که این امر بسته به دیدگاه ایدئولوژیک و سیاسی نویسندگان است که اعضای درون‌گروهی را به صورت مثبت و اعضای برون‌گروهی را به صورت منفی بازنمایی می‌کنند (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۷۷). نویسندگان از هر دو روزنامه اطلاعات و کیهان، گردهای مخالف را با «عناصر فاسد»، «اشرا»، «چپاولگران»، «غارتگران»، «دزدان»، «متجاوزگران»، «مهاجمین» بازنمایی می‌کنند و درون‌گروهی را با سبک واژگانی و عبارات احساسی نظیر «جوانان غیور»، «وطن‌پرست»،

«مردمان اصیل»، «فرزندان دلیر و جسور»، «افسران رشید» بازنمایی می‌کند که این پدیده در مثال‌های زیر مشخص است:

(۱) این حرکات ناشی از اشرار و راهزنان و عناصر فاسدی است که در قبایل کرد پیدا می‌شوند. «اطلاعات، ۳۰ خرداد، ۱۳۲۵».

(۲) افسران رشید قادر به شکست مهاجمین هستند. «اطلاعات، ۴ تیر، ۱۳۲۵»

سبک واژگانی «اشرار و راهزنان و عناصر فاسد» در راهبرد کلان معنانشناختی در مؤلفه‌ای تحت عنوان بازنمایی منفی دیگری<sup>۱</sup> مطرح می‌شود که برون‌گروه‌ها را با ارزش‌گذاری منفی بازنمایی می‌کند. این ترفند ایدئولوژی‌محور است که از نگاه وندایک هرازگاهی مطبوعات که در دست نهادهای قدرت یا گروه اکثریت است، گروه اقلیت مخالف را با واژه‌هایی چون «تروویست، تجزیه‌طلب و...» مورد خطاب قرار می‌دهند که با این ترفند و با بهره‌گیری از این برچسب‌ها، خود نوعی نژادپرستی پنهان را بروز می‌دهند تا صدای اقلیت را در نطفه خفه نموده و چهره آنها را واژگون به تصویر بکشند. گزینش سبک واژگانی بیانگر الگوهای ذهنی نهفته در مباحث قومی و نژادی هستند و هدف از به‌کارگیری این سبک خاص تأثیرگذاری بر ذهن مخاطب است. با این وصف، خطاب کردن اقلیت به صورت «مبارزان آزادی» در مقابل «اشرار» نوعی نژادپرستی پنهان است (وندایک، ۲۰۰۶: ۷۷-۸۸).

در جمله شماره (۱) واژه‌هایی نظیر «اشرار، راهزنان، عناصر فاسد» که با معنای نزدیک به هم به‌کار گرفته می‌شود، یک نوع بیش‌واژگانی شدگی<sup>۲</sup> یا واژه‌پردازی افراطی است که بر روی محور هم‌نشینی قرار می‌گیرد (ون‌دایک، ۱۹۹۱). تکرار مفرط چنین الفاظی در تاروپود گفتمان خبری نشان‌گر آن است که جایی از متن مسئله‌دار یا محتوای ایدئولوژیک در آن بخش به چشم می‌خورد. به دیگر سخن، هر جا فراوانی استفاده از واژه‌ها و به‌ویژه مترادف‌هایشان وجود داشته باشد، این پدیده بیان‌گر آن است که اقناع در کجای متن مطرح شده است و جایگاه محتوای ایدئولوژیک متن کجاست (وندایک، ۲۰۰۶: ۳۷). همیشه مخالفان یا دشمنان با توصیف واژگانی شدگی افراطی که حامل بار منفی هستند، توسط نویسندگان روزنامه‌ها برای مخاطبان به صورت منفی بازنمایی می‌شوند (اچیوگار<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

1- negative other-representation

2- over-lexicalization

3- Achugar

## ب. ساختار نحوی

همانطور که ون‌دایک معتقد است می‌توان وقایع و رویدادها را به طرز ماهرانه‌ای با استفاده از ساختار نحوی یک جمله کم اهمیت جلوه داد یا برای برجسته‌سازی رویدادها، بر روی عبارتی در ساختار جمله تاکید کرد (وندایک، ۱۹۹۱: ۲۱۶). به عنوان مثال به جمله‌های زیر دقت نمایید:

- ۱) اکراد کردستان عملیاتی برخلاف رویه کرده‌اند. «اطلاعات، ۲۹ خرداد، ۱۳۲۵»
  - ۲) فارسیان دو وزیر مشاور از اهل فارس در کابینه می‌خواهند. «کیهان، ۱ مهر، ۱۳۲۵»
  - ۳) سواران کردی سبب زحمت نیروهای خودی شدند. «کیهان، ۴ تیر، ۱۳۲۵»
- جملات مذکور که ساختاری معلوم دارد به صورت بُرش نحوی و گفتمانی تقسیم می‌شوند:

← اکران جمله ۱) اکراد کردستان	عملیاتی برخلاف رویه انجام دادند
← بُرش نحوی	گزاره
← بُرش گفتمانی	پایان‌بخش
← اکران جمله ۲) فارسیان	دو وزیر مشاور از اهل فارس در کابینه می‌خواهند
← بُرش نحوی	نهاد گزاره
← بُرش گفتمانی	پایان‌بخش
← اکران جمله ۳) سواران کردی	سبب زحمت نیروهای خودی شدند
← بُرش نحوی	نهاد گزاره
← بُرش گفتمانی	پایان‌بخش

همان‌طور که مشاهده می‌کنید از دیدگاه نظام نحوی با بررسی چیدمان واژه‌های زبان فارسی جملات شماره (۱ و ۲) ساختاری معلوم و بی‌نشان دارند که فاعل نحوی منطبق با مبتدای گفتمانی یا عنصر آغازگر است و در این‌گونه جملات چنین انطباقی وجود دارد. از لحاظ بسامدی نیز ترتیب و چیدمان واژه‌ها در زبان فارسی بر اساس الگوی دستوری و اصل متعارف آن به صورت (فاعل - مفعول - فعل) است که این حالت صورت بی‌نشان ساختار دستوری

جملات فارسی را شکل می‌دهد. در جملات مذکور، (فارسیان)، (اکراد کردستان) و (سواران گُردی) به عنوان مبتدای جمله در کانون توجه خوانندگان قرار گرفته است. از دیدگاه ون‌دایک زمانی که نویسندگان بخواهند چنین واژه‌هایی را با ذکر نام هویت‌های قومی در ساختار معلوم برجسته سازند، هدف اصلی ذکر کنش‌های منفی یا خواسته‌های نامعقول آن‌هاست (وندایک، ۲۰۰۰).

شایان ذکر است که جملات همیشه به صورت بی‌نشان ساخته نمی‌شوند، بلکه جملاتی که بار ایدئولوژیکی دارند نشان‌دار محسوب می‌شوند. به عنوان مثال جملات زیر (۴ و ۵) جملات نشان‌دار محسوب می‌شوند:

(۱) حاضرند برای جنگ با اشرار اسلحه به دست بگیرند. «کیهان، ۳ تیر، ۱۳۲۵»

(۲) اکراد اشرار کشته شدند. «اطلاعات، ۹ بهمن، ۱۳۲۴»

جملات فوق ساختاری نشان‌دار است که از عرف طبیعی دستور زبان خارج شده و اصل ارتباطی در کلام را نقض می‌کنند. از لحاظ نحوی ساخت‌هایی شبیه به این نوع جملات از قبیل مجهول، شبه اسنادی، موصولی و... به نوعی ساخت‌های ایدئولوژیک هستند (وندایک، ۲۰۰۶). چنین جملاتی در نحو از راه آزمون حرکت صورت می‌پذیرد؛ یعنی به محض اینکه ترتیب سازه‌ها را به هم بزنیم، با جمله‌ای نشان‌دار روبرو هستیم. به طور کلی، با بهره‌گیری از آرایش و چیدمان واژه‌ها در صورت‌های مختلف جمله می‌توان نشان داد آیا معنایی که با آن واژه بیان شده تأکید می‌شود یا نه؛ و مشخص است که چنین تأکیدی یا عدم چنین تأکیدی، هم‌چنان که در مثال بالا نشان داده شد، معنای ایدئولوژیک دارد (وندایک، ۲۰۰۰). نویسنده در این جمله با الگوی پنهان‌سازی نهاد به جوانان گُردی اشاره می‌کند که حاضرند در مقابل اشرار بایستند؛ اما از نام آن‌ها خودداری می‌کند. می‌توان گفت اقلیت‌های قومی در ساختار جملات تنها زمانی به عنوان عامل یا کنش‌گر معرفی می‌شوند که کار بدی مرتکب شده باشند؛ اما جایی که کارهای را به سود اکثریت انجام دهند، در نقشی منفعل و در قالب جمله‌ای مجهول بازنمایی می‌شوند (وندایک، ۲۰۰۰). به دیگر سخن، در صورتی که عاملیت از راه استفاده از حالت مجهول کمرنگ شود، این خود نشان از آن دارد که روابط بین کنش‌گر و هدف از لحاظ ایدئولوژیک امری حائز اهمیت است (مکین و مایر، ۲۰۱۲: ۱۰۸).

در جمله شماره (۵) که ساختاری مجهول دارد، نه تنها بعضی از گردها را اشرار نامیده است بلکه نقش کسانی که باعث کشتن شدن آنها شده‌اند حذف شده است. در این جمله به گفته فرکلاف کسی که کنشی را انجام داده است برای نویسنده مهم نبوده است بلکه مهم کسانی هستند که عملی بر روی آنها انجام شده است و به همین سبب نویسنده عامل را کم‌رنگ نموده و آن از دید مخاطب پنهان ساخته است (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۶۳).

## ۲-۵. تحلیل ایدئولوژی‌های معنایی

### الف. عناوین

عناوینی که در روزنامه‌ها ذکر می‌شوند، دانش سیاسی ویژه‌ای را پیش‌انگاشت می‌کند و همان‌طور که واضح است بیشترین عناوین این دوره در روزنامه‌ها، مربوط به اقلیت‌های گُرد و ترک است. عنوان خبر چشم‌گیرترین بخش یک روایت خبری است که بیشتر تأثیرگذاری را بر ذهن خواننده دارد؛ چراکه بسیاری از خوانندگان تنها عنوان خبر را می‌خوانند. عناوینی که در مثال‌های زیر ذکر شده است، «اکراد یا گردها» با ساختار معلوم در کانون توجه خواننده قرار گرفته است. عنوان‌هایی زیر که در تیترو روزنامه آمده است «گردها» را در آن بافت موقیتی، مقصر رویدادها می‌شمارد:

۱) اکراد کردستان عملیاتی برخلاف رویه کرده‌اند. «اطلاعات، ۲۹ خرداد، ۱۳۲۵»

۲) راهی که اکراد می‌رود از میهن پرستی دور است. «کیهان، ۳۰ خرداد، ۱۳۲۵»

۳) کردها موافقت‌نامه تهران-تبریز را انجام ندادند. «اطلاعات، ۴ تیر، ۱۳۲۵»

نویسنده در عنوان (۶) به خواننده القاء می‌کند کسانی که برخلاف جریان حرکت می‌کنند، گردها هستند و با خواننده با استفاده از مؤلفه فضا‌سازی<sup>۱</sup> به نام «کردستان» اشاره می‌کند تا این مکان و فضا را در کانون توجه مخاطب قرار دهد.

در عنوان (۷) که از یک جمله اصلی و یا جمله پیرو تشکیل شده است، نویسنده گردها را از مسیر میهن‌دوستی بیرون می‌راند و با بهره‌گیری از این واژه، خودستایی ملی<sup>۲</sup> را در ذهن خواننده شکل می‌دهد. از دیدگاه ون‌دایک (۲۰۰۶: ۷۸) ایدئولوژی‌های نژادپرستی در پاره‌ای از

1- spatialization  
2- self-glorification

موارد با ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی تلفیق می‌شود و مدام بر تحسین از کشور، تاریخ و سنت-های آن تأکید می‌ورزند.

در عنوان (۸) نویسنده به خواننده تلقین می‌کند که گردها حاضر به همکاری نیستند. ون لیوون این نوع نگرش را پیوندزدایی<sup>۱</sup> می‌نامد که در آن گروه‌ها وحدت نظر ندارند و موافق و هم‌نظر در موضوعات نیستند و هیچ نزدیکی و یکسانی هم با یکدیگر ندارند (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۳۸). در این جمله نویسنده «گردها» را بانی و عامل پیوندزدایی معرفی می‌کند که هیچ‌گونه سازش و توافقی از خود نشان نمی‌دهند. روی هم‌رفته، نویسندگان در هر دو روزنامه با جمع-نمایی گردها را به صورت کلی بازنمایی می‌کنند که به گفته ون‌دایک (۲۰۰۶: ۷۱) این یک نوع تعمیم<sup>۲</sup> است و خود تعمیم اساس پیش‌داوری و تعصب است که در مطبوعات پدیده‌ای فراگیر و مشهود است. روزنامه‌هایی که عنوان و تیترو خود را این‌گونه با یکدیگر هماهنگ می‌کنند نشان‌گر آن است که به لحاظ خط‌مشی و ایدئولوژی سیاسی با همدیگر قرابت و هم‌پوشانی دارند (کاتر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

### ب. قطبی‌سازی

از نگاه ون‌دایک درون‌گروه (ما) و برون‌گروه (آن‌ها) در گفتار و نوشتار بر اساس خصیصه‌های مثبت و منفی بازنمایی می‌شوند. هارت بدان باور است که ساختار برون‌گروه در رابطه با درون‌گروه، تصورات ذهنی افراد را منعکس می‌سازد و زبان منابع زیادی برای متمایز ساختن ما از آن‌ها دارد (هارت، ۲۰۱۵: ۵۶). در زیر به نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت:

۱- تراکمه مردمانی هستند که برخلاف دیگر مناطق کشور تعدی نمی‌کنند. «کیهان، ۲۰

خرداد ۱۳۲۵»

نویسنده با این جمله که به مردم تراکمه اشاره می‌کند و با استفاده از فرایند قوم‌نام<sup>۴</sup> این قطبی‌سازی را در ذهن خواننده شکل می‌دهد که تنها گروهی که به کشور خیانت و تعدی نموده‌اند این گروه هستند و مابقی اقلیت‌ها نگاهی تجاوزکارانه و تجزیه‌طلبانه به کشور دارند.

1- dissociation  
2- generalization  
3- Cotter  
4- Ethnonym

از نگاه وندایک (۲۰۰۶: ۶۵) این نوع نگرش با استفاده از ترفند مقایسه معنا<sup>۱</sup> صورت می‌پذیرد که در آن گروه‌ها مقایسه شده و هر گروهی در راستای خط‌مشی درون‌گروه قرار بگیرد با تأکید بر نکات مثبت آن‌ها در مقابل برون‌گروه قرار می‌گیرند که مخالف سیاست‌های دولت هستند. می‌توان به نمونه دیگری از مؤلفه قوم‌نام تحت عنوان «اکراد» در مثال زیر پرداخت:

۲- راهی که اکراد می‌رود از مهین‌پرستی دور است. «کیهان، ۳۰ خرداد، ۱۳۲۵»

در مثال فوق ذکر نام «اکراد» به عنوان قوم‌نام در تقابل با مهین‌پرستی به تصویر کشیده شده است.

در مثال (۱۱) نویسنده با استفاده از مؤلفه زبان‌نام<sup>۲</sup> تفکیک و قطبی‌سازی را برجسته می‌کند و هرآن‌چه که غیرفارسی باشد، از دسته زبان‌های ایرانی خارج نموده و آن را تهدیدی برای سایر زبان‌های ایرانی می‌داند. باستیلا<sup>۳</sup> چنین نگرشی را با استعاره «زبان به‌مثابه ملت<sup>۴</sup>» تعریف می‌کند که منجر به قطبی‌سازی جامعه می‌شود. به دیگر سخن، این استعاره اتحاد جامعه را در زبان می‌بیند و زبانی غیر از این زبان را عامل جدایی و از هم‌گسیختگی ملت می‌داند (باتیسیلا، ۲۰۰۵: ۱۵۶). درواقع اگر تک‌زبانگی (مانند زبان فارسی) را عامل اتحاد بدانیم، بدان معناست گویشوران سایر زبان‌ها را آشوبگر و متجاوزگر پنداشته‌ایم.

۳- بزبانی غیر از زبان ملی ایران حرف می‌زنند و می‌نویسند. «اطلاعات، ۹ آبان، ۱۳۲۵»

در جمله (۱۲) نیز نویسنده دوباره با استفاده از مؤلفه قوم‌نام «فارسیان» را برجسته می‌سازد و بدان تأکید می‌ورزد که فارسیان خواستار آن هستند که وزیران از اعضای درون‌گروهی خودشان باشد و غیر از قوم خود هیچ وزیری را نمی‌خواهند:

۴- فارسیان دو وزیر مشاور از اهل فارس در کابینه می‌خواهند. «کیهان، ۱ مهر، ۱۳۲۵»

نویسنده در این جمله (۱۳) با استفاده از مؤلفه گفته‌مداری به نقل از فرماندار سنندج، کردهای اصلی و واقعی را دولت دوست و فرمان‌بر معرفی می‌کند که در مقابل کردهایی قرار می‌گیرند که مخالف دولت هستند. وندایک (۲۰۰۶: ۶۴) این نوع قطبی‌سازی را با عنوان مقوله‌بندی معنا<sup>۵</sup> دسته‌بندی می‌کند و این زمانی رخ می‌دهد که بخواهیم گروه‌ها را در کنار هم

1- comparison meaning

2- Linguonym

3- Battistella

4- language as natio.

5- ategorization meaning



بچینیم و با اصطلاحات خاصی نظیر (اصیل، واقعی و...) ویژگی‌های مثبتی به درون‌گروهی بیخشم و برون‌گروهی را که مخالف هستند با عنوان (غیر اصیل، بیگانه و...) بازنمایی کنیم.

۵- کردهای کردستان اصلی که من فرماندار آن هستم، مردمانی دولت‌خواه و مطیع هستند.

«اطلاعات، ۳۱ فروردین، ۱۳۲۵»

همان‌طور که در مثال‌های ذکر شده مشاهده نمودید، نویسنده روزنامه‌ها برای قطبی‌سازی بیشتر از مؤلفه قوم‌نام استفاده نموده است.

### پ. عبارات جاافتاده

مثال‌های زیر اغلب برای توجیه اعمال تبعیض‌آمیز نسبت به اقلیت‌ها و برون‌گروه یا گروه‌های خاص استفاده می‌شوند:

۶- پنج‌هزار تفنگ‌چی ملامصطفی و قاضی محمد راه سقز به سردشت را تهدید می‌کنند.

«اطلاعات، ۴ تیر ۱۳۲۵»

در مثال فوق، نویسنده از مقوله جاافتاده خطر<sup>۱</sup> و تهدید استفاده نموده است و به آن اشاره می‌کند که پنج‌هزار از اعضای برون‌گروه تهدیدی برای این سرزمین هستند. از نگاه وندایک (۲۰۰۶: ۷۹) ذکر «پنج‌هزار» از نوع بازی با اعداد است که نویسنده با ذکر چنین اصطلاحات شمارشی که مطلق است به منظور تأثیرگذاری بر ذهن مخاطب استفاده نموده است.

۷- عده‌ای از ایل شکاک موضوع گرفته و خسارت بسیاری وارد نمودند. «کیهان، ۱۹ تیرماه ۱۳۲۵»

در مثال (۱۵) نویسنده از مقوله جاافتاده بارمالی<sup>۲</sup> استفاده نموده است که درون‌گروه بار اضافی تحمیل شده را به دوش می‌کشد. ایل شکاک به‌عنوان برون‌گروه معرفی شده‌اند که زیان و هزینه‌هایی را با خود به همراه دارند. چنین ایدئولوژی‌هایی در گفتمان بر این نکته تأکید می‌ورزد که دیگران نوعی بار مالی برای درون‌گروه محسوب شوند (وندایک، ۲۰۰۶: ۶۳).

۸- یک مشت مردم تبه‌کاری بودند به بهترین و بهترین و شایسته‌ترین نام‌ها این است که آن‌ها را یک دسته قاتل و دزد و راهزن بنامیم. «کیهان، ۲۴ آذر ۱۳۲۵»

1- danger

2- burden

در گفتمان نژادپرستی با بهره‌گیری از واژگانی شدگی افراطی برون‌گروه با ویژگی‌های<sup>۱</sup> نامطلوبی بازنمایی می‌شود (وداک، ۲۰۰۱: ۵۵). که چنین پدیده‌ای در جمله فوق به‌وضوح به چشم می‌خورد.

۹- اقلیت‌ها اعم از مسیحی، یهودی، ارمنی و کُرد بوی استقلال به مشامشان می‌رسد.  
«اطلاعات، خرداد ۱۳۲۵»

در مثال (۱۷) نویسنده با مقوله بهره‌کشی<sup>۲</sup> سعی دارد به مخاطب القا کند که اقلیت‌های قومی به‌عنوان برون‌گروه در این سرزمین از سیستم رفاهی درون‌گروه بهره‌برداری می‌کنند و بوی استقلال و خودمختاری به مشامشان می‌رسد. در تقسیم‌بندی وداک (۲۰۰۱: ۵۵) اصطلاح بهره‌کشی در گفتمان نژادپرستی امری مشهود قلمداد می‌کند.

نویسنده با بهره‌گیری از استعاره «بوی استقلال» یک نوع راهبرد سیاسی را در تیررس خواننده قرار می‌دهد که به باور وندایک (۲۰۰۶: ۶۶-۶۵) این پدیده اغلب در مورد جایگاه و اعتبار ملی به‌کار می‌رود و به خواننده می‌گوید: در برابر این افراد بایستی میل به اجماع<sup>۳</sup> داشته باشیم و وحدت و منافع ملت را حفظ کنیم. به دیگر سخن، ایدئولوژی‌های نژادپرستانه اغلب با ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی تلفیق می‌شود و با استفاده از مقوله اجماع سعی بر آن دارد که برون‌گروه را تجزیه‌طلب معرفی کند.

۱۰- از قیافه اهالی شهر نمایان بود که کاملاً وحشت‌زده و نگران بودند. «اطلاعات، ۱۸ تیر، ۱۳۲۸»

در این مثال نویسنده با مقوله قربانی کردن معنا<sup>۴</sup> درون‌گروه را که ساکنین و شهروندان عادی هستند به‌گونه‌ای بازنمایی می‌کند که قربانی هراس و وحشت برون‌گروه یا همان گروه-های مخالف هستند. چنین مقوله جافتاده‌ای زمانی به‌کار گرفته می‌شود که بخواهیم به‌صورت نظام‌مند با اصطلاحات منفی درون‌گروه یا مردم عادی را به‌عنوان قربانیان سیاست‌های برون-گروه بازنمایی کنیم (ون‌دایک، ۲۰۰۶: ۸۴).

ت. کنش‌های گفتار

- 
- 1- Character
  - 2- Exploitation
  - 3- consensus
  - 4- victimization meaning

- (۱) اروپاییان منفعت‌طلب با عملی مشابه جهت رسمیت دادن به کردی و ترکی کردستان و آذربایجان هستند. «اطلاعات، ۹ بهمن ۱۳۲۴»
- (۲) این اکراد زمانی مطیع دولت عراق و زمانی از آنها سرپیچی می‌کنند. «اطلاعات، ۳۱ فروردین ۱۳۲۵»
- (۳) آقایان اکراد بایستی از این نظر پیروی نمایند. «کیهان، ۹ خرداد ۱۳۲۵»
- جملات بالا از لحاظ ساختاری از نوع کنش گفتاری مستقیم هستند که به گفته وندایک بیان چنین کنش‌هایی بیشتر علیه اقلیت‌های قومی است که از سوی گروه‌های غالب و ساختارهای قدرت بر گروه‌های اقلیت اعمال می‌شود (وندایک، ۱۹۹۳). همان‌گونه که در این جمله بیان می‌شود حقوق زبانی «کرد و ترک» با کنشی مستقیم نادیده گرفته شده است و در جمله (۲۱) با کنشی مستقیم از نوع امری اکراد را ملزم نموده که از نظر و دیدگاه آن‌ها تبعیت شود. از نگاه آستین چنین کنش‌هایی حکمی یا تحکمی<sup>۱</sup> هستند که بر اعمال اراده، قدرت، حق، حاکمیت و نفوذ دلالت دارند (الوت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۷۱). در مثال زیر (۲۲) با کنش هشدار دادن به اکراد، این قدرت و حاکمیت برجسته شده است:
- (۲۲) ما با اکراد مشکلی نداریم ولی در این مورد به آن‌ها هشدار می‌دهیم. «کیهان، ۲۱ تیر ۱۳۲۵»
- در مثال فوق نویسنده از ترفند انکار<sup>۳</sup> علیه نژادپرستی استفاده نموده است (وندایک، ۲۰۰۰: ۶۷). این مثال جریان حاکم را نژادپرست نمی‌داند و نویسنده به گونه‌ای جمله را بیان نموده است که این حاکمیت با اکراد خصومتی ندارد اما در جمله دوم واضح است که با ذکر کنش امری از نوع اخطار و هشدار جریان حاکم بر کردها اعمال قدرت می‌کند و این اعمال قدرت بر اقلیت‌ها خود نوعی نژادپرستی است.
- افزون بر آن، در جمله (۲۲) ضمیرهایی مانند «ما» و «آن‌ها» در گفتمان نژادپرستی برای قرار دادن صف موافقان و مخالفان اندیشه‌های مختلف استفاده می‌شود. نویسنده به خوبی می‌-

1- exercitive  
2- Allott  
3- disclaimer

داند که این احساس را در خواننده ایجاد کند که اندیشه‌های ما به عنوان خودی مثبت است اما اندیشه‌های آنها بر ضد منافع جامعه است (اکتار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

### ث. پیش‌انگاشت‌ها

روزنامه‌نگاران بنا به دلایلی باورها و نگرش‌های خود را به زبان نمی‌آورند و از این جهت بخشی از گفتمان به صورت تلویحی باقی می‌ماند و مخاطبان چنین تلویحاتی را از دانش پیشین یا باورهای مشترکشان استنباط می‌کنند. تلویحی بودن می‌تواند ابزاری برای انتقال معنایی باشد که بیان صریحشان ممکن است به سوءگیری نژادی بدل شود. به جمله زیر دقت نمایید:

۱۱- حرکاتی که دیده می‌شود ناشی از عده‌ای اشرار و راهزنان بیرون‌اند. «اطلاعات، ۳۰

خرداد ۱۳۲۵»

در این جمله ذکر کمیت‌نمای «عده‌ای» اشاره به «گُرده‌های مخالف» دارد که به صورت تلویحی بیان شده است و آن را به عوامل خارجی نسبت داده است تا پیش‌انگاشتی را در ذهن خواننده ایجاد نماید که گویا عامل ناآرامی‌ها اشرار و عوامل بیگانه‌اند (وندایک، ۱۹۹۳: ۷۰).

هرازگاهی سردبیر از ساختارهای مقایسه‌ای، برترین، تقابلی در پیش‌انگاشت‌های واژگانی بهره می‌گیرد، این یک نوع ارزش‌گذاری است که از سوی سردبیر به خواننده القا می‌شود که وداک از آن به عنوان راهکارهای استدلالی<sup>۲</sup> نام می‌برد و فرکلاف از آن به عنوان فرض‌های ارزشی یاد می‌کند؛ یعنی چه چیزی خوب یا مطلوب است (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۶). به دیگر سخن، با این سرنخ‌های زبان‌شناختی در گزینش و چیدمان واژگان، گفته‌ها و جملات را نشان‌دار نموده و در تیررس مخاطب قرار می‌دهیم. (لوینسون، ۱۹۹۷). به عنوان مثال در جمله زیر گُردهایی که مخالف نیستند با صفات ارزشی مثبت بازنمایی شده‌اند:

۱۲- گُردها از اصیل‌ترین و پاک‌ترین قبایل ایران‌اند. ( ) قبایل دیگری وجود دارد.

اطلاعات، ۳۰ خرداد ۱۳۲۵

با بررسی چنین پیش‌انگاشتی درمی‌یابیم که سردبیران روزنامه‌ها از این فرایند سعی در ایجاد معنی و پیام‌های خاص به مخاطب هستند و چنین پیش‌انگاشتی که در خدمت اهداف

1- Oktar

2- strategies of argumentation

ایدئولوژیک سردبیران روزنامه‌ها قرار می‌گیرد، می‌تواند دیدگاه و نگرش خواننده را با خود هم‌سو سازد (بیکالو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۵۲).

۱۳- ما یک‌بار دیگر این نکته را نوشته بودیم که مسئله‌گرد در ایران مانند سایر کشورهای همسایه نیست. ( « قبلاً نیز به مسئله‌گردها پرداخته‌اند. ) اطلاعات، ۳۰ خرداد/ماه ۱۳۲۵

جمله مذکور مسئله‌گرد را با واژه خاص مانند «بار دیگر» بیان نموده است که نشانگر پیش‌انگاشت‌های واژگانی است. این پیش‌انگاشت با راهکار کیفیت<sup>۲</sup> گرایس مطرح می‌شود؛ یعنی سردبیر برای بیان چنین جملاتی بایستی شواهد کافی را در اختیار شنونده قرار دهد تا صحت دوباره آن رویداد را تأیید نماید (گرایس، ۱۹۷۵: ۴۵). از این‌رو، راهکار کیفیت در حرف ربط با معنی «باردیگر» وضع امور یا جریان امور را بیان می‌کند که از پیش وضعیتی مشابه آن رخ داده است و بحث صدق و کذب آن مطرح می‌شود (آلوود<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷). این اصل یکی از مؤلفه‌های مهم در متون روزنامه‌ای و خبری است. از این‌رو برای آنکه چنین پیش‌انگاشت‌هایی سبب مخدوش شدن پیوند میان سردبیر و مخاطب نشود و ذهنیت مخاطبان را به خود بدبین نسازند بایستی صحت نگاشته‌های خود را با شواهد و دلایل مقبول ارائه دهند. (آقاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۷-۱۸۵).

۱۴- قاضی محمد برای مذاکره به تهران می‌آید. ( « قاضی محمد وجود دارد. ) اطلاعات، ۱

تیر ۱۳۲۵

در جمله فوق، وقتی که گروه‌های اسمی نظیر «قاضی محمد» را برای ارجاع به کار گرفته می‌شود، این پیش‌انگاشت را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که توصیف مرجع مشخص است و در بافت کلام مرجعی مشخص وجود دارد (لوبر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲: ۵۳) و نویسنده روزنامه می‌خواهد به خواننده بگوید که تنها مرجع مشخصی که می‌تواند معادلات سیاسی کردها را تغییر دهد به شخص «قاضی محمد» بر می‌گردد. نویسنده در مثال زیر (۲۶) با پیش‌انگاشت ساختاری<sup>۵</sup> نمایندگان گرد را متهم نموده که تعهدات خود را زیرپا گذاشته‌اند:

1- Bekalu  
2- maxim of quality  
3- Allwood  
4- Löbner  
5- structural presupposition

۱۵- نمایندگان مهاباد چگونه تعهدات خود را نقض نمودند؟» تعهدات نقض شده است). اطلاعات، ۱۶ تیر ۱۳۲۵

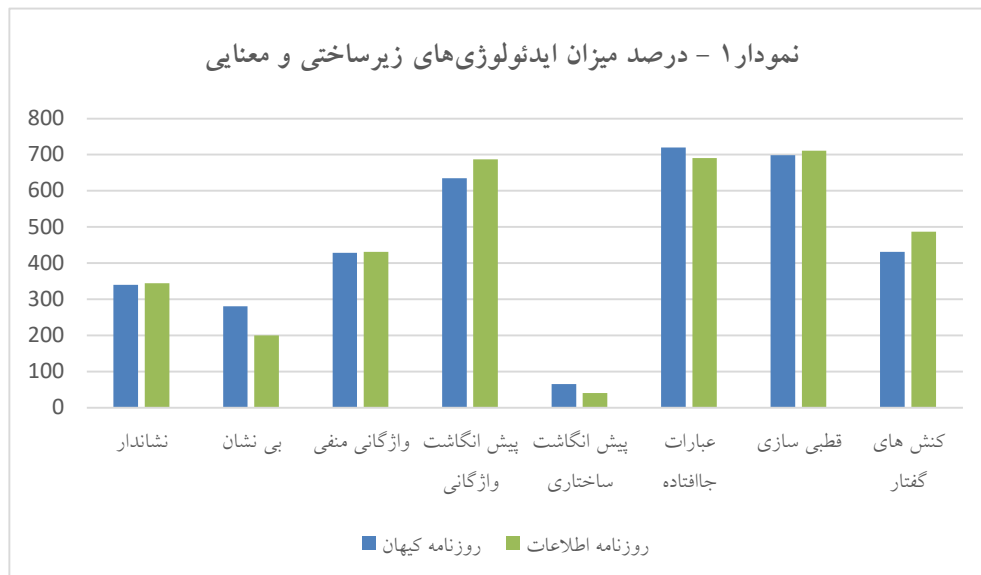
در پیش‌انگاشت فوق، گفته‌ها به نوعی بیان شده است که گویی نویسنده اطلاعات را درست ارائه داده است. از نشانه‌های این پیش‌انگاشت وجود پرسش‌واژه‌هایی نظیر ( چگونه، کدام، چرا، چه وقت و...) است که نیت و مقصود گوینده در آن نهفته است (بول، ۲۰۰۰: ۲۹). با این وصف، نویسنده در این پیش‌انگاشت مخاطب را ترغیب می‌کند تا چگونگی نقض این تعهد را برای او آشکار سازد و در این راستا کردها را عامل نقض این تعهد بنامد.

#### ۶. تحلیل کمی داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحلیل گفتمان انتقادی با روش کیفی پیش می‌رود؛ اما تحولات اخیر در این حوزه با یاری پیکره‌های زبانی نشان داده است که می‌توان داده‌ها را به صورت کمی؛ یعنی با استفاده از نمودار و جدول به منظور قوام بخشیدن به تحلیل کیفی به کار گرفت (آنتونی و بیکر، ۲۰۱۵). در تحلیل کمی داده‌های روزنامه‌های مذکور مؤلفه‌های ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی نظیر ساختار نحوی، سبک واژگانی، قطبی‌سازی، عبارات جاافتاده، کنش‌های گفتار و پیش‌انگاشت‌ها مورد بررسی قرار گرفت که به شرح زیر است:

جدول ۱- فراوانی ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی در روزنامه‌ها

مؤلفه‌ها	روزنامه کیهان	روزنامه اطلاعات
ساختار نشان‌دار	۳۴۰	۳۴۴
ساختار بی‌نشان	۲۸۰	۲۰۰
سبک واژگانی منفی	۴۲۸	۴۳۱
کنش‌های گفتار (مستقیم)	۴۳۱	۴۸۷
پیش‌انگاشت واژگانی	۶۳۵	۶۸۷
پیش‌انگاشت ساختاری	۶۵	۴۰
عبارات جاافتاده	۷۲۰	۶۹۰
قطبی‌سازی	۶۹۸	۷۱۱



همان‌طور که در جدول و نمودار نشان داده شده است. در مورد فراوانی و میزان درصد ایدئولوژی‌های زیربنایی و معنایی می‌توان گفت این نوع مؤلفه‌ها در ساخت‌های نحوی نشان‌دار نهفته است که در روزنامه کیهان و روزنامه اطلاعات با فاصله‌ی اندک به چشم می‌خورد. ساخت‌های نشان‌دار ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک هستند و با توجه به اینکه چنین ساخت‌های معنادار هستند، از این جهت بیشترین مؤلفه‌های نژادپرستی پنهان در این ساختارها به چشم می‌خورد. (ون‌دایک، ۱۹۹۳). در مورد سبک واژگانی نیز هر دو روزنامه به یک میزان اقلیت‌های مخالف را در تیررس مخاطب قرار داده‌اند. سبک واژگانی منفی که یک نوع نژادپرستی پنهان است با ارزش‌دهی منفی نیز نام برده می‌شود؛ یعنی بار عاطفی منفی در نوشتار این روزنامه‌ها به طرز چشمگیری مشهود است که در علم معنی‌شناسی با گزینش این واحدهای واژگانی تصویر یک متن در ذهن مخاطب بار معنایی منفی به خود می‌گیرد (هو و لیو، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه، «جامعه» در اینجا از نویسندگان و خوانندگان یک متن خاص تشکیل شده است، از این‌رو، نویسندگان بایستی بدانند که واژگانی که بار منفی دارند نمی‌توانند بر ذهن خواننده تأثیر بگذارند؛ چراکه خوانندگان قدرت نقد دارند و می‌توانند الگوی ارزشی را

به پرسش و چالش بکشانند و اجازه ندهند به‌عنوان یک ارزش در ذهنشان نفوذ کرده و بر زندگی‌شان تأثیر بگذارد (استیبی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۵۸).

شمار کنش‌های گفتار که بیشتر به صورت امری بیان شده‌اند، در روزنامه اطلاعات بیشتر به چشم می‌خورد. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره کردیم، این نوع کنش‌ها عیله اقلیت‌های قومی هستند و مؤلفه مؤلفه‌های نژادپرستی پنهان در آن نهفته است (وندایک، ۱۹۹۳). به دیگر سخن، کنش‌های گفتاری از این دست با سلسله مراتب قدرت ارتباط دارد و برای تفسیر و درک چنین کنش‌های گفتاری بایستی فراتر از صورت‌های زبانی که بیان شده است، نگاه کنیم و به گفتمانی که در آن تولید شده است، رجوع کنیم (وودز، ۲۰۰۶: ۱۰۰۱-۱۰۰).

روزنامه اطلاعات و کیهان بیشتر از پیش‌انگاشت‌های واژگانی و بعد از آن پیش‌انگاشت ساختاری را با کمترین درصد بازتاب داده‌اند که تفاوت معناداری در بین این دو روزنامه به چشم نمی‌خورد. پیش‌انگاشت واژگانی برای ارزش صدق خود نیاز به شواهد درست دارد، زیرا همان‌طور پیش‌تر اشاره شد، ذکر چنین پیش‌انگاشت‌هایی که بدون واقعیت باشد پیوند میان سردبیر و خواننده را در متون روزنامه‌ای به پرسش می‌کشد.

در مورد عبارات جافتاده نیز روزنامه کیهان بیشترین عبارات جافتاده از نوع خطر را در مورد اقلیت‌های مخالف گرد پوشش داده است. آنچه در عبارات جافتاده مشترک است این است که گروه‌های مخالف تهدیدی مستقیم و غیر مستقیم برای اعضای خودی یعنی مخاطبان متن هستند (هارت، ۲۱۰۲: ۶۶). مؤلفه قطبی‌سازی نیز میان اقلیت‌های قومی در ایران بیشتر در روزنامه اطلاعات به تصویر کشده شده است. ایدئولوژی‌ها نوعاً مردم و جامعه را در عبارت‌های قطبی‌شده سازمان‌دهی می‌کنند. در این راستا تأکید بر نکات مثبت خودی و تأکید بر نکات منفی دیگری گاهی با نژادپرستی پنهان در زبان نمود می‌یابد (وندایک، ۲۰۰۰).

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و با استفاده از رویکرد وندایک ایدئولوژی‌های نژادپرستی را در نگاشته‌های روزنامه‌های کیهان و اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که اکثر مؤلفه‌های این رویکرد هم‌سو با الگوی نژادپرستی وندایک بود. در این راستا



پوشش‌گردها و آذری‌ها نسبت به سایر گروه‌ها و اقلیت‌های دیگر بسیار چشم‌گیرتر و در تمام سطوح چهره آنها از سوی روزنامه‌های مذکور به صورت منفی بازنمایی شده بود. در مورد سبک واژگانی که با بار منفی حامل ایدئولوژی‌های پنهان است، می‌توان گفت که سردبیران روزنامه‌های مذکور، اقلیت‌های مخالف را با استفاده از واژه‌هایی نظیر «اشرار، دزدان، غارتگران و...» بازنمایی کرده‌اند و از این راه تصویر منفی از آن‌ها را در کانون توجه مخاطب قرار داده‌اند. در مورد ساختار نحوی نیز، اقلیت‌های قومی در جایی که اقدام یا کنش بدی را انجام دادند باشند، بیشتر به صورت عاملان فعال نشان داده می‌شوند؛ ولی در جاهایی که کاری به نفع اکثریت انجام شده باشد، در قالب نقشی مجهول بازنمایی شده‌اند. در مورد قطبی‌سازی نیز اقلیت‌ها با استفاده از مؤلفه قوم‌نام به‌عنوان دیگری بازنمایی شده‌اند و چنانچه مخالف سیاست‌های حاکمیت باشند به صورت منفی بازنمایی شده‌اند.

عنوان‌هایی که در روزنامه‌ها مطرح می‌شوند یک ژانر اقناعی هستند و ذهن خواننده را به چنگ می‌گیرند (فلاوردو و ریچاردسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۳). می‌توان گفت که بیشتر عنوان‌ها به گونه‌ای برجسته «اکراد کردستان» را به صورت دیگری و با چهره‌ای منفی در کانون توجه خواننده قرار داده است. کنش‌های گفتار نیز در نگاه‌های سردبیران روزنامه‌ها از نوع مستقیم است و نویسندگان بیشتر با استفاده کنش بیانی اقلیت‌ها را در نگاه‌های خود به صورت منفی پوشش داده‌اند. به دیگر سخن، از راه این کنش، احساسات و واکنش‌های نویسنده در نگاه‌ها مشهود است. در این گونه کنش‌ها، نویسندگان واژه‌ها، پاره‌گفتار و به‌طور کلی زبان را با دنیای عاطفه و احساس خود متناسب می‌سازد و با این عمل حالات روانی خود را که می‌تواند متأثر از ایدئولوژی‌های ملی‌گرایی یا تک‌قومیتی باشد برای بیان و ابراز احساسات خود در نگاه‌ها به کار می‌گیرند. در مورد پیش‌انگاشت‌ها نیز هر دو روزنامه وقتی که عناوین و نگاه‌های خود را در قالب پیش‌انگاشت‌های وجودی بیان کرده‌اند، ایدئولوژی و باورهای زیربنایی خود را با فرایند واژگانی‌شدگی مشخصی نظیر «اشرار، غارتگران و...» در بازنمایی اقلیت‌ها به‌صراحت به تصویر کشیده‌اند (وندایک، ۱۹۹۳: ۵-۱). چنین فرایندی در بازنمایی اقلیت‌ها به‌عنوان دیگری و از نوع مخالفین به‌وفور در هر دو روزنامه مشاهده می‌شود. وجود پیش‌انگاشت‌های واژگانی در متون خبری شواهد و دلایل ناکافی را نشان می‌دهد؛ چراکه رخدادهایی که در پیش‌انگاشت

1- Flowerdew & Richardson

واژگانی دوباره تکرار می‌شود، نیاز به استناد و شواهد کافی دارد و اگر مدرک و شواهدی برای آن ارائه نشود، از اصل کیفیت گرایش تخطی می‌کند و از این جهت سردبیر متهم به جعل و دست‌کاری خبر می‌شود.

### منابع

- ۱ - استاجی، اعظم؛ حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۹). بررسی تاثیر دو مؤلفه نحوی و جهت و تعدی در بازنمود خود و دیگران در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی. *فصلنامه ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۶، شماره ۱۹، صفحه ۸۵-۱۰۵.
- ۲ - افخمی، علی؛ سیروس، عابدینی؛ محمودی بختیاری بهروز (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی های دونالد ترامپ در مورد مهاجران. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۱، صفحه ۶۷-۵۱.
- ۳ - ایزدی، فواد؛ سقایی بی‌ریا، حکیمه، (۱۳۸۷). تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته امریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران. ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده، *فصلنامه رسانه*، سال ۱۹، شماره ۱.
- ۴ - آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۱). توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی. *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۱۰، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵ - آقاگل‌زاده، فردوس. *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی زبان*. تهران: نشر علمی.
- ۶ - آقاگل‌زاده، فردوس؛ خیرآبادی، رضا (۱۳۹۳). *به سوی ارائه الگوی تولید خبر در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: نشر علمی.
- ۷ - رضایی پناه، امیر و شوکتی مقرب، سمیه (۱۳۹۳). رسانه‌های گروهی به مثابه ابزارهای انتقال گفتمان پنهان نژادپرستی (مطالعه موردی). *مجموعه مقالات سومین همایش ملی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. شماره ۳، صفحه ۱۸۵.
- ۸ - صفوی، کورش (۱۳۹۹). *فرهنگ توصیفی فلسفه زبان*، تهران: انتشارات علمی.

- ۹ - عواطف رستمی، نعمت‌الله (۱۳۸۶). *زبان، ایدئولوژی و مطبوعات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه اصفهان.
- ۱۰ - غیاثیان، مریم (۱۳۸۸). بازتاب نگرش فرهنگی غرب نسبت به ایران در ساخت‌های زبانی نشریات انگلیسی زبان، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۵، صفحه ۱۲۹-۱۲۳.
- ۱۱ - یارمحمدی، لطف‌الله؛ رشیدی، ناصر (۱۳۸۲). پژوهش‌هایی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در گزیده‌سرمقاله‌های روزنامه‌های ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان مدار و ساختارهای زیربنای فکری-اجتماعی. *نامه فرهنگ*، شماره ۴۷، صفحه ۷۵-۶۳.

- 12- Achugar, M. (2007). *Between remembering and forgetting: Uruguayan military discourse about human rights (1976-2004)*. *Discourse & Society*, 18(5), 521-547.
- Allen, S. (2004). *News culture*. Maidenhead Open University Press.
- Allott, N. (2010). *Key terms in pragmatics*. London: Continuum.
- Allwood, J. (1977). conventional and non-conventional presupposition. *Papers from the Second Scandinavian Conference of Linguistics*, University of Oslo, Dept of Linguistics, pp.1-14.
- Anthony, L. & Baker, P. (2015). *ProtAnt: A tool for analysing the prototypicality of texts*. *International Journal of Corpus Linguistics*, 20(3): 273-292.
- Battistella, E L. (2005). *Bad Language: Are Some Words Better than Others?*. Oxford and New York: Oxford University Press.
- Bekalu, M. A. (2006). *Presuppositions in News Discourse*. London & Thousand Oaks, CA & New Delhi: Sage Publications.
- 19-Berger, A.A. (2016). *Applied Discourse Analysis: Popular Culture, Media, and Everyday Life*. New York: Macmilan.
- 20 - Brown, G. & G. Yule. (1989). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University press.
- 21- Cotter, C. (2010). *News Talks: Investigating the language of journalism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 22- Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). *Critical discourse analysis*. In T. Flowerdew, J, & Richardson, J. E. (2018). *The Routledge handbook of critical discourse studies*. London: Routledge.
- 23- Goatly, A. (2007). *Washing the brain: Metaphor and hidden ideology*. Amsterdam: John Benjamins.

- 24- Grice, H. P. (1975). *Logic and conversation*. In P. Cole and J. L. Morgan (eds), *Syntax and semantics 3: Speech acts*. New York: Academic Press. pp. 41–58.
- 25- Hart, C. (2015). *Critical discourse analysis and cognitive science: New perspectives on immigration discourse*. New York: Palgrave Macmillan.
- 26- Hu, Z., Liu, H. (2019). *The Affective Meaning of Words is Constrained by the Conceptual Meaning*. J Psycholinguist Res.
- 27- Leech, G. (1974). *Semantics*. Harmondsworth: Penguin.
- 28 - Levinson, S.C. (1997). *Pragmatics*. Cambridge University Press, New York.
- 29- Löbner, S. (2012). *Understanding semantics*. London: Arnold.
- 30- Machin, D&Andrea, M. (2012). *How To Do Critical Discourse Analysis*. London: Sage.
- 31- Maydell, E, Keith,T. &Eleanor,B.(2020). *The effect of media populism on racist discourse in New Zealand.*” *Critical Discourse Studies*:1-17.
- 32- Oktar, L. (2001). The ideological organization of representational processes in the presentation of us and them. *Discourse and Society*. 12 (3), 313 - 46.
- 33- Paltridge, B. (2012). *Discourse analysis: an introduction*. London: Continuum.
- 34- Reisigl, M. and R. Wodak (2001). *Discourse and discrimination: Rhetorics of racism and anti-Semitism*. London: Routledge.
- 35 - Heather J. Smith (2021) The doublespeak discourse of the race disparity audit: an example of the White racial frame in institutional operation, *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, DOI: [10.1080/01596306.2021.1931035](https://doi.org/10.1080/01596306.2021.1931035) .
- 36- Stibbe, A. (2015). *Language, Ecology, and the Stories We Live by*. New York: Routledge.
- 37- Van Dijk, T. A. (1987). Semantics of a press panic: The Tamil "invasion". *European Journal of Communication* , 3, 167-187.
- 38- Van Dijk, T. A. (1991). *Racism and the Press*. London: Routled
- 39- Van Dijk, T. A. (1993). *Analyzing Racism Through Discourse Analysis, some Methodological Reflections*. London: SAGE Publications.
- 40- Van Dijk, T. A. (2000). *Parliamentary Debates*. In R. Wodak & T. A. van Dijk (Eds.), *Racism at the Top. Parliamentary Discourses on Ethnic Issues in Six European States*. (pp. 45-78). Klagenfurt, Austria: Drava Verlag.
- 41- Van Dijk, T. A. (2003). *Analyzing Discourse: Text Analysis for social Research*, New York: Routeldge.

- 42- Van Dijk, T. A. (2006). *Ideology and Discourse Analysis*. *Journal of Political Ideologies*, 11(2), 115-140.
- 43- Van Leeuwen, T. A. (2008). *Discourse and practice, New tools for critical discourse analysis*. New York: oxford university press.
- 44- Wodak, R. (2001). *The discourse-historical approach*. In R. Wodak and M. Meyer (eds), **Methods of critical discourse analysis**. London: Sage. pp. 63-94.
- 45- Woods, N. (2006). *Describing Discourse: A Practical Guide to Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- 46- Yule, G. (2000). *Pragmatics*. Oxford: University Press.

## **Representing the linguistic and ideological components of ethnic minorities in the press of Pahlavi: Critical discourse analysis (CDA)**

**Adel Mohammadi, PhD Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.**

**Ferdows Aghagolzadeh, Professor of linguistics Department, Tarbiat modares university, Tehran, Iran (Corresponding Author)**

**Zahra Abolhasani Chimeh, Associate Professor, Department of General Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran**

Received: 24/09/2021

Accepted: 19/04/2022

### **Abstract**

The Pahlavi era has given racial framing forward to minorities in the press texts, therefore, linguistic analysis of the mentioned period can show what narratives are being presented to and adopted by the public. The present study investigates the linguistic and ideological components of ethnic minorities in the press of Pahlavi. The data of this research are collected from these newspaper '350 texts at the specified interval (1945 to 1947). The research methodology is type a descriptive – analytic and it by using the van Dijk's Model of Critical Discourse Analysis of racism intends to analyze the texts of the mentioned newspapers. The findings show that newspapers affiliation with power structures has influenced how editors' ideas and thoughts towards ethnic minorities, because these newspapers by using underlying and meaning ideologies in the model of van Dijk racism such as lexical item , syntactic structure, topics, polarization, Topoi, speech acts and presuppositions show covert racism and marginalize ethnic minorities. It can be said that this model can correctly analyze newspaper data on racism.

**Keywords:** Critical Discourse Analysis, Racism, Underlying Ideologies, ethnic minorities, Ettela'at Newspaper